



سرقتاله

حجت‌الاسلام مصطفی رستمی
رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

بی‌شک ظهور دین‌الد ترامپ در عرصه سیاست جهانی، پرده‌برداری از چهره واقعی نظامی است که سال‌ها با شعار های فریبنده آزادی و دموکراسی، خود را منجی ملت‌ها معرفی می‌کرد. ترامپ، تصویری غریبان از همان «لیبرال دموکراسی بزرگ‌شده» ارائه می‌دهد: ترکیبی از وقاحت، جنگ طلبی، سرمایه‌پرستی، خودبیزبیرینی و فریبکاری ساختاری. اکنون که نظام «لیبرال دموکراسی غربی در شرق با رقبای جدی گفتمانی روبه‌رو شده» احساس خطر کرده است. دوران عاطفه فروشی و احساسات گرایی قرن بیستم به پایان رسیده و غرب برای بقا، نقاب انسان دوستی را کنار گذاشته و با چهره واقعی خود وارد میدان شده است؛ چهره‌ای که دروغ، سلطه و استثمار را بی‌پرده آشکار می‌سازد.

شرم‌الشیخ مصر؛ صحنه نمایش ریاکاری فرعون‌ی

اجلاس اخیر شرم‌الشیخ در مصر، تنها یکی از پرده‌های این نمایش بود. ترامپ و دولت آمریکا، پس از آنکه آتش جنگ را برای رژیم صهیونیستی - به عنوان نیروی نیابتی و سگ پاسبان خود در منطقه - روشن کردند، اکنون در نقش «صلح طلب» ظاهر شده‌اند. آن‌هم پس از کشتار ده‌ها هزار انسان بی‌دفاع در غزه و دامن زدن به بحران‌های متعدد در منطقه. اما این صلح طلبی، نه از سر انسانیت که از سر نیاز سیاسی است. ترامپ برای این نقش به یک تئاتر نیاز دارد؛ صحنه‌ای جهانی که در آن سران کشورها را گرد بیاورد، همگان را تحقیر کند و در پایان خود را قهرمان معرفی نماید؛ گویی فرعون‌ی جدید در مصر زاده شده است. (پس او قوش را سبک مغز شمرد و آنان را با وسوسه و اغواگری فریفت و خوارشان کرد: در نتیجه از او اطاعت کردند؛ زیر آتان مردمی فاسق و نافرمان بودند.) (زخف ۵۴) ترامپ نه دیوانه است و نه ساده لوح؛ او بازیگری دقیق و هدفمند است که می‌خواهد به جهان یادآوری کند «بی‌پرده لیبرال دموکراسی هنوز زنده است». او آمده تا نشان دهد غرب هنوز در پی هژمون و سلطه‌گری است و برای این نمایش، به بازیگران و تماشاگرانی در سراسر جهان نیاز دارد.

سربازان بی‌چهره و مواجب

در این میان، عده‌ای در داخل کشور - بی‌آنکه مواجیبی دریافت کنند - نقش مکمل این نمایش را ایفا می‌کنند. همان‌ها که در رسانه‌ها و تریبون‌ها رئیس‌جمهور را تحت فشار می‌گذارند تا به شرم‌الشیخ برود و به یکی از بازیگران این مضحکه تبدیل شود. این جریان، همان رؤیافروشان هستند که حاضرین عزت، امنیت و اقتدار ملی را به بهای ناچیز بفروشند؛ کالای گرافیکی که ترامپ برای به دست آوردنش باید هزینه‌های گزاف بپردازد. ایستادگی مقتدرانه رئیس‌جمهور در برابر این فشارها، پاسلداری از عترتی بود که به آسانی به دست نیامده است.

فراموشی یا تغافل؟

این جریان ساده‌انگار، گویی به تحقیر و بی‌دست‌آوردی خو گرفته است. آنان با شتاب به دنبال پاگشت به میز مذاکرانه، اما پاسخی برای این پرسش‌های بنیادین ندارند: - آیا اساساً میز مذاکرای واقعی و عادلانه وجود دارد؟ - آیا به خاطر دارند، با غربی‌ها مذاکرای کرده‌باشند که در پی آن غرب متعهد به وعده‌هایش شده باشد؟ (مذاکرات الجزایر، سعدآباد، پرجام و...) - آیا فراموش کرده‌اند که همین چند هفته پیش، طرف مقابل گفت: «همه چیزتان را بدهید تا سه ماه اجرای اسنپ یک راه به تعویق بیندازیم»؟ - آیا شنیده‌اند که فرعون جدید شرط آغاز گفت‌وگو را پایان برنامه دفاعی ایران دانسته است؟ - آیا به یاد دارند که در میانه آخرین مذاکرات، هدف حمله قرار گرفتیم؟ - آیا تجربه تلخ توافق با گروهی در قاهره و تحریم سه‌روزه پس از آن را فراموش کرده‌اند؟ - مگر نه آن‌که همین فرعون قرن بیستم و یکم، در اوج دفاع دوازده‌روزه، آشکارا گفت تنها به دنبال «تسلیم محض» است؟ تسلیمی که معنایی جز تجزیه ایران ندارد.

ملت ایستاده است

آقایان باید بدانند ملت ایران همان ملت مقاوم و منسجم دوران دفاع مقدس دوازده‌روزه است. ساده‌سازی مسائل و فروش رویاهای دروغین، تنها به معنای بازی در زمین دشمن است. نباید گذاشت غرور و عزت ملی، ابزار معامله در نمایش فرعون‌ی جدید شود. لیبرال دموکراسی با ترامپ، چهره واقعی خود را نشان داده است؛ دیگر با این طرف‌ها نه سخن گفتن از اخلاق جایز است و نه از صلح. اکنون زمان بیداری ملت‌هاست و ملت ما فریاد زن بیهنگی و بی‌مانگی نظام فرعون‌ی غرب است. ملتی که عزت خود را با هیچ نمایش مضحکی عوض نخواهد کرد.

یک کینه حل نشده



یادداشت

مرتضی درخشان
روزنامه‌نگار

«زیانت رامی برند و از درختی که از آن روزی می‌گیری (درخت نخل) به دار خواهند زد. در روز سوم از بیینی و دهان تو خون روان خواهد شد و محاسنت را رنگین خواهد ساخت.» این پیش‌بینی «ایرانی‌مؤمنین علی علیه‌السلام» از نحوه شهادت میثم‌نمار است. پیش‌بینی یک قتل خشن و هتاکانه که قاتل به پیکر مقتول هم رحم نمی‌کند و از جنازه او هم نمی‌گذرد! این نقل تاریخی در سریال مختارنامه با بازی درخشان مرحوم پوپرز پرسحسینی را اغلب به خاطر داریم. صحنه‌ای که در کاخ کوفه ایستاده است و پاسخ این زیاد رامی دهد. روایات نشان می‌دهد که میثم ۱۰۰ روز پیش از ورود ابا عبدالله علیه‌السلام به عراق، دستگیر شد و به همان نحوی که پیش‌بینی شده بود به شهادت رسید و برخی روایات تاریخی می‌گویند که او اولین مسلمانی بود که به هنگام شهادت بر دهانش لگام زده شد. پیش از آن نیز افراد زیادی به دستور عبیدالله بن زیاد به شهادت رسیده بودند. سؤال این جاست که حقد و کینه یک نفر چقدر باید باشد که پس از شهادت هم دست از سر مقتول بر ندارد؟!

عصر سلبریتی‌ها

بازیگرها، سلبریتی‌های پرچاشبه و چهره‌های جنجالی این روزها حال روز خوبی دارند، فالور می‌گیرند، پول در می‌آورند و بواسطه شهرتشان حتی به ریاست جمهوری می‌رسند. همین ولادیمیر زئسکی که در اوکراین مسئولیت اداره کشور را برعهده دارد یک بازیگر طنز بود، یک بازیگر درجه چندم در که در نظام سیاسی بیشتر به یک شوخی شبیه بود و حالا تبدیل به تصمیم‌گیرنده اصلی برای سرزنش یک ملت شده است. ملتی که یک میلیون سنگ قبر جدید با جنازه‌های تکه و پاره روی دستش مانده است. صحبت ما اما در مورد این سلبریتی نیست، ما از دینالد ترامپ حرف می‌زنیم، کسی که الفبای ادب دیپلماتیک را هم نمی‌داند. اما سیاست جهان را خوب درک کرده است؛ زور می‌گوید، ضد و نقیض حرف می‌زند، همیشه روی آتن است و پرخاش می‌کند، حتی به هم‌پیمانان سنتی خود! اینکه چقدر از مردم دنیا او را یک دلقک می‌دانند و چقدر از سیاستمداران (این عقیده موافق هستند، اما جرئت بیان آن را ندارند هم موضوع مانیت، این روزها ترامپ با هم از شهید قاسم سلیمانی صحبت می‌کند، از مری که شش سال قبل به دستور مستقیم او به شهادت رسیده، اما هنوز حضور دارد، حتی در میان کلمات ترامپ!

مشکل بی‌پاسخ

آمریکایی‌های عجز عظیم در عراق داشتند و آن به‌بهای کنار جاده‌ای بود، بمب‌هایی که حدود دو سوم تلفات نیروهای اتلاف بر اثر آن اتفاق می‌افتاد و تا تکلیک نظامی هم جواب درستی برای آن نداشت. اصلاً پاسخ درستی برای این دست‌مین‌گذاری هارپودندند!، آمریکایی‌ها بیشتر از تلفات خود، از بمب‌های کنار جاده‌ای عصبی بودند که حرکت کاروان‌های نظامی را مختل کرده بود. در واقع بمب کنار جاده‌ای ابتکار ایرلندی‌ها بود که به تمام دنیا رسید و به عنوان یک تاکتیک مبارزه در جنگ‌های نامنتظران، گروه‌های مقاومت و به خصوص مردم عراق که مقاومت را یاد گرفته بودند از آن استفاده می‌کردند. بمب کنار جاده‌ای اما مشکل آمریکایی‌ها نبود، مشکل چشم‌های کنار جاده‌ای بودند، خشم مقدس و هویت‌زنده‌ای که قاسم سلیمانی در دل مردم پرورش داده بود نگاه مردم را عوض کرده بود و آن‌ها تصمیم خودشان را گرفته بودند. در واقع حاح قاسم به آن‌ها بمب ن داده بود، بلکه آن‌ها را بیدار کرده بود. حالا آمریکایی‌ها با مردمی مواجه شده بودند که دیگر از پرچم و ژنرال‌های پرستاره آمریکایی نمی‌ترسیدند، چیزی که در غرب آسیا زیاد پیدا می‌شود اسلحه است، کافی بود یکی از همین مردم دستش را دراز کند تا تبدیل به یک دشمن مسلح و باانگیزه شود. آمریکایی‌ها کشته می‌دادند، زخمی‌ها روی دستشان مانده بودند و ابتکار عمل هم نداشتند، هر کجا هم می‌رفتند یک نام‌رامی شنیدند: «ژنرال سلیمانی! انانی که هنوز هم کاپوس یانکی‌هاست!

خشم کنار جاده‌ای

تور شهید قاسم سلیمانی هزینه‌های بسیاری برای آمریکایی‌ها داشت، آن‌ها اما چاره‌ای نداشتند، تمام منطقه در آتش خشم مردم بود که متجاوز خارجی‌رانی می‌خواستند به هیچ کاری از دست‌های خون‌آلود غربی‌ها برای آرام کردن مردم نمی‌آمد، پس مجبور شدند به آخرین راه‌حلی که به ذهنشان می‌رسید رجوع کنند: حذف سلیمانی! اما آیا حذف او نتیجه داد؟! بهترین مرجع برای پاسخ به این سؤال خود ترامپ است، ترامپی که حالا دشمنانش را حتی نمی‌تواند بشمارد، ترامپی که با قوای مقاومت مواجه شده و هرجای دنیا که برود عده‌ای هستند که علیه او تجمع کنند یا به متافع آمریکا حمله کنند. همین الان در دانشگاه‌های آمریکایی هم ردپای حاح قاسم رامی توانید پیدا کنید، می‌توانید عکس‌های بیرعسک ترامپ و نتایج‌ها را با ضربید قرمز از استرالیا تا اسپانیا ببینید، می‌توانید در مسافران کاروان دریایی صمود این دشمنی را حس کنید و در میان چهره‌های پرمخاطب جهان هم خشم از ترامپ و نوجده‌اش نتایج‌ها وارد یک کنید.

فرهنگستان

شماره
۲ ۳ ۴
۸ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

پنجشنبه
۲۴ مهر ۱۴۰۴
۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷
۱۶ اکتبر ۲۰۲۵

تصمیم صحیح دربارهٔ قیمت گذاری سوخت کدام است؟
بنزین چگونه از رقابت‌های سیاسی نجات پیدا می‌کند

بنزین گروگان سیاست

جهت یادآوری، ۱۱ تلهٔ بزرگ آمریکا در مذاکرات قبلی

رؤیافروشان تاریخ بخوانند

سید عباس موسوی، کارشناس سیاست خارجه در نقد خوش خیالان مذاکره با آمریکا، مطرح کرد

این اسمش مذاکره نیست

«شفرونی» ساختهٔ تازهٔ یک چهرهٔ مشهور چندان موفق نبوده است

چرا جوکر روی ریزید تو آشپزی؟

دربارهٔ مردپوشی شاکردوست و بازی‌ای که زیادی تکراری است

آشنایی زدایی جنسی در بن بست ایده